



وَ سَارِعُوا إِلَىٰ مَغْفِرَةٍ مِّن رَّبِّكُمْ وَ جَنَّةٍ عَرْضُهَا السَّمَاوَاتُ  
 وَ الْأَرْضُ أُعِدَّتْ لِلْمُتَّقِينَ ﴿١٣٣﴾ الَّذِينَ يُنْفِقُونَ فِي  
 السَّرَّاءِ وَ الضَّرَّاءِ وَ الْكَاطِمِينَ الْغَيْظَ وَ الْعَافِينَ عَنِ  
 النَّاسِ ۗ وَ اللَّهُ يُحِبُّ الْمُحْسِنِينَ ﴿١٣٤﴾ وَ الَّذِينَ إِذَا فَعَلُوا  
 فَاحِشَةً أَوْ ظَلَمُوا أَنْفُسَهُمْ ذَكَرُوا اللَّهَ فَاسْتَغْفَرُوا  
 لِذُنُوبِهِمْ ۚ وَ مَن يَغْفِرِ الذُّنُوبَ إِلَّا اللَّهُ ۚ وَ لَمْ يُصِرُّوا عَلَىٰ  
 مَا فَعَلُوا وَ هُمْ يَعْلَمُونَ ﴿١٣٥﴾ أُولَٰئِكَ جَزَاؤُهُمْ مَغْفِرَةٌ مِّن  
 رَبِّهِمْ وَ جَنَّاتٌ تَجْرَىٰ مِن تَحْتِهَا الْأَنْهَارُ خَالِدِينَ فِيهَا وَ  
 نِعَمَ أَجْرُ الْعَامِلِينَ ﴿١٣٦﴾ قَدْ خَلَتْ مِن قَبْلِكُمْ سُنَنٌ فَسِيرُوا  
 فِي الْأَرْضِ فَانظُرُوا كَيْفَ كَانَ عَاقِبَةُ الْمُكْذِبِينَ ﴿١٣٧﴾  
 هَذَا بَيَانٌ لِّلنَّاسِ وَ هُدًى وَ مَوْعِظَةٌ لِّلْمُتَّقِينَ ﴿١٣٨﴾ وَ  
 لَا تَهِنُوا وَلَا تَحْزَنُوا وَ أَنْتُمْ الْأَعْلَوْنَ إِن كُنْتُمْ مُّؤْمِنِينَ ﴿١٣٩﴾

و برای نیل به آمرزشی از پروردگار خود، و بهشتی که پهنایش [به قدر] آسمان‌ها و زمین است [و] برای پرهیزکاران آماده شده است، بشتابید. ﴿۱۳۱﴾

[پرهیزکارانی] که از مال خود به فقرا در حال وسعت و تنگدستی انفاق کنند و خشم خود را فرو می‌برند و از [خطای] مردم در می‌گذرند و خداوند نیکوکاران را دوست دارد. ﴿۱۳۲﴾

[همانانی] که چون کار زشتی کنند یا بر خود ستم روا دارند، خدا را به یاد می‌آورند و برای گناهانشان آمرزش می‌خواهند و چه کسی جز خدا گناهان را می‌آمرزد؟ و [نیز] بر آنچه مرتکب شده‌اند، با آنکه می‌دانند [گناه است]، پافشاری نمی‌کنند. ﴿۱۳۳﴾ آنان، پاداششان آمرزشی از جانب پروردگارشان و بوستان‌هایی است که از زیر [درختان] آن، جویبارها روان است. جاودانه در آن بمانند و پاداش اهل عمل چه نیکوست. ﴿۱۳۴﴾

قطعاً پیش از شما سنت‌هایی وجود داشته [و سپری شده] است. پس، در زمین بگردید و بنگرید که فرجام تکذیب‌کنندگان چگونه بوده است؟ ﴿۱۳۵﴾

این [قرآن] برای مردم، بیانی [روشن]، و برای پرهیزکاران، رهنمود و اندرزی است. ﴿۱۳۶﴾

و اگر مؤمنید، سستی نکنید و غمگین نشوید، که شما برترید. ﴿۱۳۷﴾



## درس هشتم

## بازگشت

خدای متعال به حضرت داود علیه السلام فرمود :

«ای داود! اگر آنان که از من روی گردانده‌اند می‌دانستند که چگونه انتظار آنها را می‌کشم و شوق بازگشتشان را دارم، بدون شک از شوق آمدن به سوی من جان می‌دادند و بندبند وجودشان از محبت من از هم می‌گسست.»<sup>۱</sup>

تصمیم‌های جدید همواره برای تکمیل پیمان‌های قبلی و پیمودن ادامه‌ راه نیست، بلکه گاه برای بازگشت از مسیری است که چندی به غلط پیموده شده و آثار زیان‌باری برجای گذاشته است. این گونه تصمیم‌ها «توبه» نام دارد. در این درس می‌خواهیم بدانیم حقیقت توبه چیست؟ و بازگشت حقیقی چه ویژگی‌هایی دارد؟

۱- «یا داوود! لَوْ عَلِمَ الْمُدْبِرُونَ عَنِّي كَيْفَ انْتِظَارِي لَهُمْ وَسَوْفَى إِلَيَّ وَتَوْبَتِهِمْ لَمَانُوا سُوءًا إِلَيَّ وَ لَتَفَرَّقَتْ أَوْصَالُهُمْ.» میزان الحکمه،

محمدی ری شهری، ج ۴، ص ۲۷۹۷.

## عبد یا آزاد؟

صدای ساز و آواز بلند بود. هرکس که از نزدیک آن خانه با شکوه می‌گذشت، می‌توانست حدس بزند که در درون خانه چه خبر است! بساط عیش و می‌گساری پهن بود و جام شراب پیایی نوشیده می‌شد.

زنی که در آن خانه خدمت می‌کرد، بیرون آمد تا زباله‌ها را در کناری بریزد. در همین لحظه مردی که آثار عبادت از چهره‌اش نمایان بود، از آنجا می‌گذشت. از آن زن پرسید :

صاحب این خانه بنده است یا آزاد؟

زن گفت : آزاد. صاحب چنین خانه‌ای که بنده نیست!

آن مرد گفت : معلوم است که آزاد است. اگر بنده می‌بود، بندگی می‌کرد و حرمت صاحب خود را نگه می‌داشت و این بساط را پهن نمی‌کرد.

رد و بدل شدن این سخنان موجب شد که خدمتکار مدت بیشتری در بیرون خانه مکث کند. هنگامی که برگشت، اربابش پرسید : «چرا معطل کردی؟»

خدمتکار ماجرا را تعریف کرد و گفت که، مردی با چنین وضع و شمایی می‌گذشت و چنان پرسشی کرد و من چنین پاسخی دادم.

شنیدن ماجرا، صاحبخانه را چند لحظه در اندیشه فرو برد. جمله «اگر بنده می‌بود، بندگی می‌کرد و حرمت صاحب خود را نگه می‌داشت» چون تیری بر قلبش نشست و او را تکان داد. یکباره از جا برخاست و به خود مهلت پوشیدن کفش را نداد. با پای برهنه به دنبال گوینده سخن رفت. دويد تا خود را به گوینده سخن، که امام موسی کاظم علیه السلام بود، رساند. در حضور امام توبه کرد و تا زنده بود به پیمان خویش وفادار ماند. بُسر بن حارث که تا آن روز در زمره اشراف زادگان و عیاشان قرار داشت، در سِلک مردان پرهیزکار و خداپرست درآمد.<sup>۱</sup>

## انقلاب علیه خود

در میان مخلوقات، انسان موجودی است که علاوه بر ایستادگی در برابر موانع بیرونی، می‌تواند در برابر موانع درونی نیز ایستادگی کرده و حتی علیه خود انقلاب کند؛ بدین معنا که می‌تواند با پیروی از عقل، علیه تمایلات ناپسند خود قیام کند و انقلاب نماید.

۱- داستان راستان، مرتضی مطهری، داستان ۴۴

با توجه به آنچه در سال‌های قبل درباره «نفس اماره» و «نفس لوّامه» و «خود دانی» و «خود عالی» آموخته‌اید، به سؤال زیر پاسخ دهید :

مقصود از انقلاب علیه خود چیست؟ کدام خود، علیه دیگری انقلاب می‌کند؟

.....  
.....

### حقیقت توبه

توبه در لغت به معنای بازگشت است و در اصطلاح دینی، به معنای بازگشت از گناه به سوی خداوند و قرار گرفتن در دامن عفو و غفران اوست. این حالت وقتی رخ می‌دهد که انسان از گناه پشیمان شده و قصد انجام آن را نداشته باشد. با بازگشت بنده گناهکار، خداوند نیز به سوی او باز می‌گردد و درهای رحمتش را به رویش می‌گشاید و آرامش را به قلب او باز می‌گرداند.

همین‌که انسان بعد از انجام گناه، در دل احساس پشیمانی کند و زبان حالش این باشد که : «چقدر بد شد! چرا به فرمان خدا بی توجهی کردم؟ دیگر این کار را انجام نمی‌دهم» توبه انجام شده و گناه بخشیده می‌شود. امام باقر (ع) می‌فرماید: «برای توبه کردن پشیمانی کافی است.»<sup>۱</sup>

چنین انسانی واقعاً در دل «استغفرُ الله» را گفته است، گرچه آن را بر زبان جاری نکرده باشد. اما اگر بر عکس باشد، یعنی با زبان «استغفرُ الله» بگوید اما در قلبش پشیمان نباشد و قصد انجام دوباره آن گناه را داشته باشد، چنین کسی توبه نکرده است.

### توبه و پاکی

گناه، آلودگی است و توبه، پاک شدن از آلودگی هاست. توبه گناهان را از قلب خارج می‌کند و آن را شست‌وشو می‌دهد. به همین جهت این عمل را «پیرایش» یا «تخلیه» نیز می‌گویند.

رسول خدا ﷺ می‌فرماید :

التَّائِبُ مِنَ الذَّنْبِ  
كَمَنْ لَا ذَنْبَ لَهُ<sup>۲</sup>

کسی که از گناه توبه کرده

مانند کسی است که هیچ گناهی نکرده است.

۱- کافی، کلینی، ج ۲، ص ۴۲۶.

۲- مستدرک الوسائل، میرزای نوری، ج ۱۲، ص ۱۲۶.

امیرمؤمنان علی علیه السلام می فرماید :

التَّوْبَةُ تَطَهِّرُ الْقُلُوبَ

توبه دل‌ها را پاک می‌کند

و تَغْسِلُ الذُّنُوبَ<sup>۱</sup>

و گناهان را می‌شوید.

در اینجا باید به چند نکته توجه کرد :

۱- با توبه همه گناهان حتی شرک هم آمرزیده می‌شود.

خداوند به پیامبرش پیام می‌دهد که :

قُلْ يَا عِبَادِيَ الَّذِينَ أَسْرَفُوا عَلَىٰ أَنْفُسِهِمْ

بگو ای بندگان من که بسیار به خود ستم روا

داشته‌اید،

از رحمت الهی نا امید نباشید،

لَا تَقْنَطُوا مِنْ رَحْمَةِ اللَّهِ

إِنَّ اللَّهَ يَغْفِرُ الذُّنُوبَ جَمِيعًا

.....

إِنَّهُ هُوَ الْغَفُورُ الرَّحِيمُ<sup>۲</sup>

.....

۲- توبه نه تنها گناه را پاک می‌کند، بلکه اگر ایمان و عمل صالح نیز به دنبال آن بیاید، گناهان را به

حسنات تبدیل می‌کند. خداوند می‌فرماید : «کسی که باز گردد و ایمان آورد و عمل صالح انجام دهد،

خداوند گناهان آنان را به حسنات تبدیل می‌کند زیرا خداوند آمرزنده و مهربان است.»<sup>۳</sup>

۳- توبه در جوانی آسان‌تر است و خداوند توبه جوانان را بسیار دوست دارد. پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله

می‌فرماید : «کسی نزد من محبوب‌تر از جوان توبه‌کار نیست.»<sup>۴</sup>

۴- در توبه همیشه باز است، اما توفیق توبه همواره میسر نیست. باید لحظه‌های توفیق را شکار کرد

و خود را در دامن مهر خداوند انداخت.

۵- تکرار توبه، اگر واقعی باشد، نه تنها به معنی دور شدن از خداوند نیست، بلکه موجب محبوب

شدن انسان نزد خداوند و جلب رحمت او می‌شود. خداوند می‌فرماید :

إِنَّ اللَّهَ يُحِبُّ التَّوَّابِينَ

خداوند کسانی را که زیاد توبه می‌کنند، دوست دارد

و يُحِبُّ الْمُتَطَهِّرِينَ<sup>۵</sup>

و پاکیزگان را دوست دارد.

۱- مستدرک الوسائل، ج ۱۲، ص ۱۲۹.

۲- سورة زمر، آیه ۵۳.

۳- سورة فرقان، آیه ۷۰.

۴- مشکاة الانوار، طبرسی، ص ۱۷۰.

۵- سورة بقره، آیه ۲۲۲.

بنابراین، اگر کسی گناهی مرتکب شد و توبه کرد، اما توبه‌اش را شکست و دوباره مرتکب گناه شد، هیچ مانعی ندارد که باز هم توبه کند و از خداوند عذرخواهی نماید؛ چراکه خداوند کسی را که فوراً از گناه خود ناراحت می‌شود و بسیار توبه می‌کند، دوست دارد؛ زیرا می‌بیند چنین فردی، با اینکه در دام گناه افتاده، اما قلبش نزد اوست و به سرعت از عمل خود پشیمان می‌شود.

#### نمونه

امام باقر (علیه السلام) به یکی از یاران خود فرمود :

ای محمد بن مسلم! گناهان مؤمن، وقتی که از آنها توبه می‌کند، بخشیده شده است. پس مؤمن، باید بعد از توبه کردن، عمل را از نو آغاز کند و زندگی را از سر گیرد. البته آگاه باش که این امتیاز فقط برای اهل ایمان است.

محمد بن مسلم از امام سؤال کرد : اگر مؤمن بعد از توبه و استغفار باز هم به طرف گناه بازگشت، آن وقت چه می‌شود؟

امام فرمود : ای محمد بن مسلم! تو خیال می‌کنی مؤمن از گناهِش پشیمان می‌شود و از آن استغفار می‌کند، اما خداوند توبه او را قبول نمی‌کند؟!

محمد بن مسلم بار دیگر می‌پرسد : حال اگر این توبه شکستن را بارها تکرار کند و پس از هر گناه باز هم توبه کند و از خدا طلب بخشش نماید، باز هم قبول است؟

امام در جواب فرمود : هر وقت مؤمن با استغفار و توبه به سوی خدا باز گردد، خدا هم با بخشش به سوی او باز می‌گردد. سپس امام این آیه را خواند : «اوست که توبه بندگان را می‌پذیرد و گناهان را می‌بخشد و می‌داند که چه می‌کنید.»<sup>۱</sup>

سپس امام به محمد بن مسلم تذکر داد و فرمود : مراقب باش مؤمنین را از رحمت خدا مأیوس نکنی!<sup>۲</sup>

#### حیله‌های شیطان

شیطان، برای دور کردن انسان از توبه، تلاش فراوان می‌کند و با فریب مانع توبه انسان‌ها می‌شود، از جمله اینکه :

۱- ابتدا انسان را با این وعده که «گناه کن و بعد توبه کن!» به سوی گناه می‌کشاند و وقتی که او آلوده

۱- سورة شوری، آیه ۲۵.

۲- کافی، کلینی، ج ۲، ص ۴۳۴.



شد، از رحمت الهی مایوسش می‌سازد و می‌گوید «آب که از سر گذشت چه یک وجب، چه صد وجب.» در این حالت، انسان با خود می‌گوید که کار از کار گذشته و پروندهٔ عملم نزد خداوند آن قدر سیاه است که دیگر توبه‌ام پذیرفته نیست. درحالی که آدمی، هر قدر هم که بد باشد، اگر واقعاً توبه کند و نادم و پشیمان شود، حتماً خداوند توبه‌اش را می‌پذیرد.

طمع ز فیض کرامت مَبْرُ که خُلُقِ کریم      گنه بیخشد و بر عاشقان ببخشاید<sup>۱</sup>

۲- انسان را به «تسویف» می‌کشاند. «تسویف» از ریشهٔ «سَوَف» و به معنای امروز و فردا کردن و کار امروز را به فردا انداختن است. به عبارت دیگر، فرد گنهکار دائماً به خود می‌گوید «به‌زودی توبه می‌کنم.» و این گفته را آن قدر تکرار می‌کند، تا اینکه دیگر میل به توبه در او خاموش می‌شود. این حیلۀ شیطان، بیشتر برای همراه کردن جوانان به کار می‌رود. به او می‌گوید تو هنوز جوانی و فرصت توبه داری، بالاخره در آینده می‌توانی توبه کنی. اما این یک دام است و سبب عادت جوان به گناه می‌شود، به‌طوری که ممکن است ترک گناه برایش سخت گردد. درست است که هر وقت برگردیم خدا قبولمان می‌کند، اما اگر انسانی غرق گناه شود، دیگر معلوم نیست که میل به توبه پیدا کند. شاید گناه به قدری بر روحش غلبه کند که هیچ وقت قلبش از گناه پشیمان نشود و وقتی که پشیمانی قلبی نباشد توبه‌ای صورت نگرفته است.

همچو آن شخصِ درشتِ خوش سُخُنْ	در میان ره نشاند او خارِبُنْ
هر دمی آن خارِبُنْ افزون شدی	پای خلق از زخم آن پر خون شدی
جامه‌های خَلَقِ بدریدی زخار	پای درویشان بِخَسْتی زار زار
چون به جدِ حاکم بدو گفت این بکن	گفت آری برگم روزیش من
مدتی فردا و فردا وعده داد	شد درخت خارِ او محکم نهاد
گفت روزی حاکمش ای وعده کژ	پیش آ در کار ما واپس مَغْژ
تو که می‌گویی که فردا، این بدان	که به هر روزی که می‌آید زمان
آن درختِ بدِ جوان‌تر می‌شود	وین گَنده پیر و مضطر می‌شود
خارِبُنْ در قَوّت و برخاستن	خارکَن در پیری و در کاستن

خار بُن هر روز و هر دم سبزتر      خارکُن هر روز زار و خشک‌تر  
او جوان‌تر می‌شود تو پیرتر      زود باش و روزگار خود بیر<sup>۱</sup>

۳- روش دیگر شیطان برای کشاندن انسان به شقاوت این است که او را گام به گام و آهسته به سمت گناه می‌کشاند تا در این فرایند تدریجی، متوجه زشتی گناه و قبح آن نشود و اقدام به توبه نکند<sup>۲</sup>. برای مثال، شیطان از همان ابتدا، انسان را به رابطه نامشروع با جنس مخالف دعوت نمی‌کند، بلکه در گام اول سخن از یک دوستی ساده به میان می‌آورد، دوستی‌ای که فقط در حد صحبت و درد دل کردن است. اما در گام‌های بعدی و به صورت تدریجی چنان این دوستی را پیش می‌برد که فرد خود را غرق در فساد و آلودگی می‌بیند.

## مراحل تکمیلی توبه

توبه یا همان پشیمانی از گناه آثار و نتایج دارد که در زندگی شخص توبه‌کننده خود را نشان می‌دهد؛ از جمله:

۱- **تلاش در جهت دور شدن از گناه**: توبه‌کننده تلاش می‌کند دیگر به سراغ گناهی که از آن پشیمان شده است نرود؛ زیرا انجام آن مساوی با شکستن توبه است که در آن صورت باز هم باید توبه کند. به عبارت دیگر، اگر توبه‌کننده حقیقتاً توبه کرده باشد، گرچه ممکن است به آن گناه علاقه‌ای هم داشته باشد، سعی خواهد کرد در عمل از آن دوری نماید؛ یعنی از افراد، مکان‌ها و موقعیت‌هایی<sup>۳</sup> که می‌توانند زمینه‌ساز شکل‌گیری گناه باشند، دوری می‌کند.

## بررسی

برای اینکه حالت پشیمانی، به ترک گناه بینجامد، چه راه‌حل‌هایی را پیشنهاد می‌دهید؟

۱- مثنوی، مولوی، دفتر دوم.

۲- قرآن کریم در مورد این روش شیطان، تعبیر «خُطُوبَاتِ الشَّيْطَان» را به کار می‌برد؛ یعنی گام‌های شیطان. این تعبیر نشان می‌دهد که روش شیطان در گمراه نمودن افراد، تدریجی و گام به گام است و شیطان انسان را قدم به قدم به سوی پرتگاه می‌کشاند. اگر انسان بداند که قرار است روزی با فریب شیطان چه گناهان بزرگی را انجام دهد، به شدت از آن بی‌زاری می‌جوید و دوری می‌کند اما شیطان، انسان را فوراً به سمت آن گناه نمی‌برد، بلکه گام به گام و به تدریج قبح و زشتی گناه را در دل او از بین می‌برد تا در نهایت گناه بزرگ را مرتکب شود. قرآن کریم با اشاره به این روش شیطان این نکته را مطرح می‌کند که هدف نهایی شیطان آلوده کردن شما به انجام فحشا و منکر است و هر کس به دنبال گام‌های شیطان بیفتد عاقبتی جز انجام گناهان زشت و ناپسند ندارد:

يَا أَيُّهَا الَّذِينَ آمَنُوا لَا تَتَّبِعُوا خُطُوبَاتِ الشَّيْطَانِ وَ مَن يَتَّبِعْ خُطُوبَاتِ الشَّيْطَانِ فَإِنَّهُ يَأْمُرُ بِالْفَحْشَاءِ وَ الْمُنْكَرِ ... (سوره نور، آیه ۲۱).

۳- منظور از موقعیت‌ها، هر گونه فضایی است که می‌تواند موجب تحریک و سوق دادن انسان به سوی گناه شود، مانند حضور در برخی از گروه‌ها در فضای مجازی، مشاهده برخی فیلم‌ها، انجام بازی‌های رایانه‌ای نامناسب و ...

**۲- جبران حقوق الهی و حقوق مردم:** توبه کننده تلاش می کند حقوقی را که با گناه خود ضایع کرده است جبران نماید. دسته ای از این حقوق، مربوط به خداوند است. مهم ترین حق خداوند نیز، حق اطاعت و بندگی اوست. توبه کننده باید بکوشد کوتاهی های خود را در پیشگاه خداوند جبران کند؛ برای مثال، نمازها یا روزه های از دست داده را به تدریج قضا نماید و عبادت های ترک شده را به جا آورد. البته خداوند نسبت به بندگان خود مهربان است و اگر ببیند که شخص توبه کار تلاش خود را کرده و نتوانسته همه گناهان را جبران کند، بقیه موارد را خود جبران نموده و او را عفو می کند. دسته ای دیگر، حقوق مردم است. توبه کننده باید بکوشد اگر ستمی بر مردم کرده است آن را جبران نماید و حقوق مادی یا معنوی آنها را در حد توان ادا کند و رضایت صاحبان حق را به دست آورد و اگر به آنان دسترسی ندارد، به نیابت از آنان صدقه دهد و برایشان دعای خیر و طلب آمرزش نماید.<sup>۱</sup> توجه کنیم که حقوق معنوی انسان ها بسیار مهم تر از حقوق مادی آنان است. اگر با دروغ، غیبت و تهمت آبروی انسانی ریخته شده، اگر قلب پدر یا مادری بر اثر بی حرمتی فرزندی شکسته شده، اگر با توزیع کتاب یا راه انداختن یک شبکه اجتماعی همراه کننده در فضای مجازی، فساد و تباهی در جامعه گسترش یافته، اگر رفتار ناپسند برخی افراد سبب بدبینی دیگران به دین شده، در واقع حقوق معنوی افراد ضایع شده است و باید فرد توبه کننده به جبران حقوق از دست رفته پردازد.

### خودارزیابی

رفتار و اخلاق خود را ارزیابی کنید و ببینید به کدام یک از حقوق خداوند و مردم کمتر توجه کرده اید. آنها را یادداشت کنید و برای جبران آن برنامه ریزی نمایید.

### توبه اجتماعی

آنچه تاکنون گفته شد مربوط به توبه فردی بود؛ اما جامعه هم اگر در برخی از ابعاد از مسیر توحید و اطاعت از خداوند خارج شد، نیازمند بازگشت به مسیر توحید و اصلاح، یعنی نیازمند «توبه اجتماعی» است. انحراف های اجتماعی باید در همان مراحل ابتدایی خود اصلاح شوند تا گسترش نیابند و ماندگار نشوند. رباخواری، رشوه گرفتن، بی توجهی به عفاف و پاکدامنی، ظلم کردن و ظلم پذیری و اطاعت از غیر خدا از جمله این بیماری ها و انحرافات است. مهم ترین راه اصلاح و معالجه جامعه از این بیماری ها انجام دادن وظیفه امر به معروف و نهی از منکر

۱- محجة البیضاء، ملامحسن فیض کاشانی، ج ۵، ص ۲۷۳.

است. اگر مردم در انجام این وظیفه کوتاهی کنند، گناهان اجتماعی، قوی تر و محکم تر می شوند و در تمام سطوح جامعه نفوذ می کنند. در واقع اگر مردم در برابر این گناهان حساسیت نشان دهند و در برابر آن بایستند و بکوشند که جامعه را به وضع صلاح و درستی باز گردانند، به آسانی می توانند مانع گسترش گناهان شوند. اما اگر مردم کوتاهی کنند و اقدامات دلسوزان جامعه به جایی نرسد و به تدریج انحراف از حق ریشه بدواند، اصلاح آن مشکل می شود و نیاز به تلاش های بزرگ و فعالیت های اساسی و زیربنایی پیدا می شود تا آنجا که ممکن است نیاز باشد انسان های بزرگی جان و مال خود را تقدیم کنند تا جامعه را از تباهی برهانند و مانع خاموشی کامل نور هدایت شوند.

### بیشتر بدانیم

هنگامی که امیرالمؤمنین برای مبارزه با معاویه وارد صفین شده بود، برای لشکریان خود سخنرانی مهمی کرد. در قسمتی از این سخنرانی می فرماید:

«آنگاه که مردم بر حاکم چیره شوند و از وی اطاعت نکنند، یا حاکم بر مردم ستم ورزد، در این هنگام اختلاف و تفرقه پدید می آید و نشانه های ظلم و تجاوز آشکار می شود و فریبکاری در دین رواج می یابد و راه های روشن و سنت ها رها می گردد. در این هنگام است که از روی هوی و هوس عمل شود و احکام خدا تعطیل گردد و بیماری های قلب و روح فراوان شود. در چنین شرایطی دیگر مردم نمی ترسند که حق بزرگی را فرو گذار نمایند یا باطلی بزرگ انجام شود. در این هنگام نیکوکاران ذلیل و اشرار عزیز شوند و عقوبت خداوند در حق بندگان بزرگ گردد.»

سپس به مردم چنین پیشنهاد می کند: «پس ای مردم! بر شما باد خیرخواهی در اجرای حقوق و یاری نیکوی یکدیگر بر آن، زیرا هیچ کس، هر اندازه هم که در به دست آوردن رضای خداوند حریص باشد و تلاشش در راه اطاعت و بندگی خدا فراوان باشد، نمی تواند به حقیقت اطاعتی که شایسته خداوند است برسد...»<sup>۱</sup>

## تا چه زمانی برای توبه کردن مهلت داریم؟

سراسر عمر ظرف زمان توبه است<sup>۱</sup>، اما بهترین زمان برای توبه، دوره‌ای است که امکان توبه بیشتر و انجام آن آسان‌تر و جبران گذشته راحت‌تر است. بر این اساس، باید به این نکته توجه کنیم:

دوره جوانی دوره انعطاف‌پذیری، تحوّل و دگرگونی و دوره پیری دوره کم‌شدن انعطاف و تثبیت خوی‌ها و خصلت‌هاست. اگر در دوره جوانی خصلت‌هایی در انسان پدید آمد و ماندگار شد خارج کردن آنها در پیری بسیار سخت و طاقت‌فرسا خواهد بود. صفات ناپسندی که در ما پدید می‌آیند، شبیه ریشه‌های نهالی هستند که در ابتدا نفوذ کمی در خاک دارد اما هر قدر زمان می‌گذرد، نفوذ آن بیشتر می‌شود و قوی‌تر می‌گردد تا جایی که کندن آن درخت بسیار سخت می‌شود.

### امام خمینی ره خطاب به جوانان می‌نویسد:

«بهار توبه ایام جوانی است که بار گناهان کمتر و تیرگی قلب و ظلمت درون اندک‌تر و شرایط توبه سهل‌تر و آسان‌تر است. انسان در پیری حرص، طمع، حبّ جاه و مال و طول آرزویش بیشتر است، و این به تجربه ثابت شده است و حدیث شریف نبوی شاهد بر آن است<sup>۲</sup>. فرض کنیم که انسان بتواند در ایام پیری به توبه اقدام کند، از کجا که به پیری برسد و اجل، او را در سن جوانی و در حال اشتغال به نافرمانی نرباید و به او مهلت دهد؟...»

پس ای عزیز، از فریب‌های شیطان بترس و در حذر باش، و با خدای خود مکر و حيله مکن که پنجاه سال یا بیشتر شهوت‌رانی می‌کنم و دم مرگ با کلمه استغفار جبران گذشته می‌کنم؛ اینها خیال خام است. اگر در حدیث دیدی یا شنیدی که حق تعالی بر این امت لطف فرموده و توبه آنها را تا قبل از مشاهده آثار مرگ یا خود آن قبول می‌فرماید، صحیح است؛ ولی هیبت‌ها که در آن وقت توبه از انسان سرزنند! مگر توبه لفظ است؟! اقدام به توبه زحمت دارد؛ ... چه بسا باشد که قبل از فکر توبه یا عملی کردن آن، اجل مهلت ندهد و انسان را با بار معصیت‌های سنگین و ظلمت بی‌پایان گناهان، از این جهان منتقل نماید. آن وقت خدا می‌داند که انسان به چه گرفتاری‌ها و بدبختی‌ها دچار می‌شود...

پس ای عزیز، هرچه زودتر دامن همت به کمر بزن و عزم را محکم و اراده را قوی کن و از گناهان، تا در سن جوانی هستی یا در حیات دنیایی به سر می‌بری، توبه کن و مگذار فرصت خداداد از دستت برود.<sup>۳</sup>

۱- اصول کافی، کلینی، ج ۲، ص ۴۴۰، کتاب کفر و ایمان.

۲- اشاره به این حدیث پیامبر صلی الله علیه و آله دارد که فرمود: آدمی پیر می‌شود در حالی که دو صفت در او جوان می‌شود: حرص و آرزوهای دور و دراز (بحارالانوار، ج ۷، ص ۲۲).

۳- شرح چهل حدیث، امام خمینی ره، ص ۲۷۳ (با سادسازی برخی کلمات و عبارات).

برخیز تا به عهد امانت وفا کنیم  
بی مغز بود سر که نهادیم پیش خلق  
دارالشفای توبه نبسته است در هنوز  
روی از خدا به هر که کنی شرک خالص است  
چند آید این خیال و رود در سرای دل  
چون برترین مقام ملک دون قدر ماست

تقصیرهای رفته، به خدمت قضا کنیم  
دیگر فروتنی به در کبریا کنیم  
تا درد معصیت به تدارک دوا کنیم  
توحید محض کز همه رو در خدا کنیم  
تا کی مقام دوست به دشمن رها کنیم  
چندین به دست دیو زبونی چرا کنیم

## پیشنهادهای

مناجات التائبین را در کتاب «مفاتیح الجنان» بخوانید و به سؤال‌های زیر پاسخ دهید :

الف) گناه چه آثاری در وجود انسان باقی می‌گذارد؟

ب) چه اموری است که جز خداوند دیگری توان انجام آن را ندارد؟

ج) خداوند چه راهی پیش پای گناهکار قرار داده که راه عذرآوردن را بر او بسته است؟